

اقتضای امور تجاری سرعت در معاملات و سهولت در انجام فعالیتهای بازرگانی در سایه امنیت اجتماعی است. دادرسی بازرگانی غیرمتناسب با مقتضیات امور تجاری و بیگانه با فرهنگ و عرف حاکم بر آن قطعاً تأثیر منفی در فعالیت کلان اقتصادی - بازرگانی کشور داشته و موجب نا امنی سرمایه گذاری اقتصادی خواهد شد. تشکیل مراجع عام قضایی در قوه قضائیه (دادگاههای عمومی و انقلاب برای رسیدگی به امور مدنی و کیفری) و مراجع خاص دادرسی در قوه مجریه (مانند تعزیرات حکومتی و هیأت‌های دادرسی مالیاتی) و نظام هماهنگ موجود بین مراجع مذکور، نشان از بحران در دادرسی بازرگانی دارد. تصویب قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران و پیش‌بینی مرکز داورى اتاق ایران برای بررسی و حکمیت در مورد مسائل بازرگانی داخلی و خارجی اعضا و سایر متقاضیان (۷) و عدم تنظیم اساسنامه و فعالیت آن، حکایت از اشکالات بنیادین دارد که معلول علل گوناگونی است. تحقیق حاضر بر آن است که دادرسی بازرگانی را بررسی (بخش نخست) و مطالعه‌ای تطبیق نموده (بخش دوم) و در آخر راهکارهای لازم را که از بعد دادرسی مؤثر در امنیت اقتصادی کشور است، ارائه دهد.

بخش نخست - دادرسی بازرگانی :

۱ - مفهوم دعاوی بازرگانی

قانون تعریفی از دعوا ننموده است (۸) تا بتوان انواع دادرسی، من جمله دادرسی بازرگانی را منطبق با تعریف قانونی تعیین نمود.

اصطلاح دعوا را برخی چنین تعریف کرده‌اند: دعوا اظهار ثبوت چیزی است که برای اظهار کننده یا کسی که در اظهار آن مأذون است ثابت نباشد. بدیهی است لازمه هر دعوایی آن است که دو طرف داشته باشد، مدعی و منکر. (۹)

ترمینولوژی حقوق، دعوا را منازعه در حق معین تعریف و در معنای اعم، آن را به مجموع



امنیت اقتصادی و ضرورت اصلاح نظام دادرسی در دعاوی بازرگانی

دکتر ساسا سوادکوهی فر

(دادیار دادسرای دیوان عالی کشور)

است و باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود، گذاشته است. (۲) در قانون اساسی ایجاد دادگاه صالح برای حفظ حقوق بازرگان و بقا و گردش صحیح اقتصاد کشور، مانند آنچه در بند ۳۰ اصل بیست و یکم آمده، تصریح نشده است؛ اما با استفاده از اطلاق و عموم، تعداد زیادی از اصول قانون اساسی برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه (۵) و سلامت فعالیت اقتصادی (۶) وضع شده است، می‌توان ادعا کرد تشکیل و ایجاد دادگاههای صالح برای دعاوی بازرگانی بدون تردید از وظایف دولت، و به‌طور خاص از وظایف قوه قضائیه می‌باشد.

«و تفقد امورهم بحضرتک و فی حواشی بلادک» از دور و نزدیک، آسودگی تجار را بخواه تا ظلم و ستمی بر آنها رخ ندهد. (۱)

مقدمه

تجّار در امر تجاری خود بالطبع با اختلافاتی مواجه خواهند شد که نیاز به حل و فصل آن می‌باشد. قانون اساسی رسیدگی به دعاوی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات و رفع خصومت و اخذ تصمیم و اقدام لازم در پاره‌ای از امور حسبیه را که قانون تعیین می‌کند را برعهده قوه قضائیه (۲) که اعمال آن به وسیله دادگاههای دادگستری

یک یا چند هیأت که هر هیأت مشتمل بر سه نفر از اشخاص بصیر در امور بازرگانی باشد، انتخاب کنند. ماده (۲۹) از قانون مذکور علاوه بر اختیار مقرر در ماده (۲۸)، به دادگاهها اجازه داد وظایف زیر را به هیأت محول کنند: ۱- کارشناسی در موضوعاتی که به نظر دادگاه، اظهار نظر هیأت در باره آن ضروری باشد. ۲- داوری در مواردی که طرفین دعوا به داوری هیأت تراضی کرده باشند. ۳- داوری در مواردی که انتخاب داور از طرف دادگاه به عمل آید.

بعد از انقلاب، ماده (۱۱) لایحه تشکیل دادگاههای عمومی مصوب دهم مهر ۱۳۵۸، مشعر بر این بود که: رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی با رعایت قواعد دادرسی اختصاری به ترتیب مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی به عمل خواهد آمد. مع الوصف اموری که سابقاً بدون تشریفات آیین دادرسی رسیدگی می شده به همان ترتیب رسیدگی خواهد شد...

قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو مصوب سوم آذر ۱۳۶۴، دادگاههای صلح و عمومی حقوقی را منحل کرده و ماده (۱۷) و ماده (۵) آن مقرر نمود: دادگاههای حقوقی

دیگری را تعیین کرده باشد. ماده (۱) قانون مذکور همچنین می گوید: آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می باشد به کار می رود.

با عنایت به مطالب مذکور، چنانچه یک طرف یا هر دو طرف دعوا تاجر و اختلاف یا موضوع قابل رسیدگی راجع به امر تجاری باشد، دعوا بازرگانی است و ممکن است حقوقی یا کیفری باشد. مراجع قضائی از یکسو و مراجع دادرسی قوه مجریه از سوی دیگر ممکن است در دعاوی بازرگانی به اعتبار موضوع اختلاف، صالح به رسیدگی شوند. داوری خاص بازرگانی نیز امروزه جایگاه مهمی به خود اختصاص داده است. لذا ضروری است به شرح آتی به هر یک بپردازیم.

۲- دادرسی حقوق بازرگانی: حدود یک سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی یعنی سال ۱۳۵۶، قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری برای رسیدگی به دعاوی بازرگانی ناشی از معاملات تجاری بین

ادعای مدعی و دفاع مدعی علیه تعبیر کرده است. (۱۰) خواستن چیزی به زیان دیگری به رسم منازعه نیز در تعریف دعوا آمده است (۱۱) ماده (۳۰) قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه در تعریف دعوا (Action) می گوید: دعوا برای مدعی حقی است که به موجب آن محکمه باید به ماهیت ادعا رسیدگی کرده و حکم به صحت یا سقم آن بدهد. برای طرف مقابل نیز حق دفاع در مقابل صحت ادعاست. (۱۲) اگر تعریف قانون فرانسه از دعوا را بپذیریم، زیرا با معنای اعم مذکور در ترمینولوژی حقوق نزدیکتر به نظر می رسد، مطابق آن به تبع دعوا، امر دادرسی (حقوقی یا کیفری) لازم می آید و دادگاه صالح، دادگاهی خواهد بود که صلاحیت رسیدگی به دعوی مدعی یا شکایت وی را دارد. اصل (۳۴) قانون اساسی، در واقع بالتفات به چنین امری تصریح می کند: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد».

اما در کشور ما قانونگذار غالباً تفاوتی بین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی بازرگانی و سایر دعاوی قایل نشده است. ماده (۱) قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۱۸، حکم کلی را (در دعاوی حقوقی) این گونه بیان می کند: رسیدگی به کلیه دعاوی مدنی راجع به دادگاههای دادگستری است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری معین کرده است. رسیدگی به دعاوی بازرگانی نیز جز در مواردی که تکلیف دیگری در قوانین خاص برای آن تعیین شده تابع این قانون است. ماده (۱۰) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ هم آورده است: رسیدگی به دعاوی، حسب مورد در صلاحیت دادگاههای عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع



می توان ادعا کرد تشکیل و ایجاد دادگاههای صالح برای دعاوی بازرگانی بدون تردید از وظایف دولت، و به طور خاص از وظایف قوه قضائیه می باشد



یک به کلیه دعاوی حقوقی و امور حسبی رسیدگی می کنند مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت دادگاه حقوقی دو یا دادگاه مدنی خاص باشد. دادگاههای حقوقی یک و دو اجازه داشتند چنانچه در پرونده‌ای نیاز به مشاور باشد تقاضای مشاور کنند. مشاور، برخلاف مقررات قبل از انقلاب که در امور

دارندگان کارت بازرگانی تأسیس جدیدی را تشریح نمود. ماده (۲۸) قانون مزبور به دادگاهها اجازه داد از وجود اشخاص بصیر در امور بازرگانی استفاده کنند. برای انجام این منظور ماده (۲۸) مقرر نمود نمایندگان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن در تهران و شعب اتاق بازرگانی و صنایع و معادن در شهرستانها

تجاری از میان افراد بصیر در امور بازرگانی تعیین می‌شد، تنها از میان دادرسان انتخاب و به دادگاه معرفی می‌گردید (مواد ۳، ۴ و ۱۴ از قانون تشکیل دادگاههای حقوقی یک و دو).

تعیین و منصوب نماید.

برخلاف تجویز کلی قانونگذار و آنچه در آیین‌نامه به تفکیک مذکور است، به دلایل گوناگون از جمله کثرت پرونده‌های ارجاعی به

در امور کیفری دادگاههای عمومی، انقلاب و تعزیرات حکومتی حسب مورد صلاحیت رسیدگی دارند. پیچیدگی صلاحیتها در مسائل کیفری بازرگانی تا حدی است که به سادگی نمی‌توان ابعاد آنها تبیین نمود. ابتدا قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۵۹ راجع به دادگاههای امور صنفی در ماده (۶۴) چنین مقرر می‌داشت: وزارت دادگستری در تهران و برحسب ضرورت در شهرستانها یک یا چند شعبه از دادگاههای عمومی را برای رسیدگی به جرایم و تخلفات مندرج در این قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن اختصاص خواهد داد. تبصره ۲* ماده مذکور نیز امتیاز دادگاههای اختصاصی امور صنفی را در سرعت دادرسی قرار داده و مقرر نمود: جرایم مندرج در این قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن مستقیماً و بدون رعایت تشریفات مربوط به تحقیقات مقدماتی و صدور کیفرخواست، در دادگاههای مذکور مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

از سال ۱۳۶۲ دولت اجازه یافت (۱۶) بر کالاها قیمت‌گذاری و نظام اقتصادی کشور را کنترل نماید. مضافاً کمیسیون‌هایی برای امور تعزیرات حکومتی تحت نظارت وزارت کشور با صلاحیت رسیدگی به کلیه تخلفاتی که به نحوی جنبه اقتصادی داشت تشکیل شد. قانون تعزیرات حکومتی به موجب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۳، رسیدگی به تخلفات بخش دولتی را به کمیسیون‌های امور تعزیرات حکومتی و رسیدگی به تخلفات بخش خصوصی را به محاکم انقلاب اسلامی محول نمود. یک سال پس از مصوبه مجمع، قانون نظام صنفی ملغی گردید (۱۳۶۸/۱۲/۱۳). توسعه اختیارات دولت در رسیدگی به مسائل اقتصادی با مصوبه بعدی مجمع تشخیص مصلحت نظام به تاریخ ۱۳۷۳/۷/۱۹، به درجه کمال خود رسید. ماده واحده جدید التصویب و تبصره ۴* آن بدین شرح به امر رسیدگی و صدور حکم

دادرسی بازرگانی غیر متناسب با مقتضیات امور تجاری و بیگانه با فرهنگ و عرف ماکم بر آن قطعاً تأثیر منفی در فعالیت کلان اقتصادی - بازرگانی کشور داشته و موجب نا امنی سرمایه‌گذاری اقتصادی خواهد شد

دادگاهها، تاکنون امکان تخصیص قضاتی خاص امور بازرگانی در حوزه‌های مختلف قضایی فراهم نشده است. مسئله اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و احیای مجدد دادرسیها در سالهای اخیر فراغتی برای پرداختن عمیق‌تر به برخی دادرسیهای خاص از جمله دادرسی بازرگانان، به‌رغم اهمیت بسیار آنها، نداده است. دادگاههای دریایی که نقش غیرقابل انکاری در حل و فصل اختلافات ناشی از امور دریایی کشور و ایجاد وحدت رویه خاص آن دارد با میدان‌فعلیتی در سطح داخلی و فرامرزی، (۱۴) مطابق قانون دریایی کشور می‌بایست تشکیل می‌شد، اما با گذشت بیش از سی سال (از سال ۱۳۴۳ تاکنون) هنوز آن گونه که باید، با آیین دادرسی خاص خود تحقق نیافته است. ماده (۱۸۸) قانون مزبور می‌گوید: وزارت دادگستری مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون لایحه قانونی مربوط به تشکیل دادگاههای دریایی و حدود صلاحیت آنها و طرز رسیدگی به تخلفات و اختلافات و کلیه دعاوی ناشی از اجرای این قانون را تنظیم و پس از تصویب کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین به موقع اجرا بگذارد. (۱۵)

۳- دادرسی کیفری بازرگانی:

قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۲۰، در نظام دادرسی تغییر ایجاد نمود. قانون مذکور نیز مانند مقررات قبل برای دعاوی بازرگانی راه حل و ابتکاری جز یکنواخت کردن بیشتر دادرسیها و جلوگیری از شکل‌گیری مراجع تخصصی (۱۲)، نداشته است. ماده (۱) آن می‌گوید: به منظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضایی واحد، دادگاههای با صلاحیت عام به شرح مواد آتیه تشکیل می‌شوند. لازم به ذکر است که ماده (۴) قانون مزبور به رئیس قوه قضائیه اختیار داده است در هر حوزه قضایی که لازم باشد با لحاظ نوع دعاوی و تجربه و تبحر قضات، هر یک از آنان را به رسیدگی به دعاوی حقوقی، کیفری، احوال شخصیه و امثال آن اختصاص دهد. تبصره ماده (۸) آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵، مصادیق را گسترده‌تر بیان نموده و با ذکر امور صنفی چنین می‌گوید: رئیس قوه قضائیه می‌تواند در هر حوزه قضایی هر یک از قضات متناسب با تجربه و تبحر آنها، با ابلاغ خاص برای رسیدگی به امور کیفری، حقوقی، خانوادگی، اطفال، دریایی، پزشکی و دارویی، صنفی و امثال آن

قطعی و موظف بودن کلیه مراجع در اجرای احکام تعزیراتی، تصریح دارد. ماده واحده؛ با توجه به ضرورت نظارت و کنترل دولت بر امور اقتصادی و لزوم هماهنگی مراجع قیمت‌گذاری و توزیع کالا و اجرای مقررات و ضوابط مربوط به آن کلیه امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیردولتی اعم از امور بازرسی و نظارت، رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن به دولت (قوه مجریه) محول می‌گردد تا بر اساس جرایم و مجازاتهای مقرر در قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۶۷/۱۲/۲۳ اقدام نمایند. تبصره ۴ - دادگستری و نیروی انتظامی و کلیه دستگاههای اجرایی و شرکتهای تحت پوشش دولت و ملی شده و نهادهای انقلابی و مؤسسات عمومی غیر دولتی و شرکتهای سازمانهای تابعه و ثبت اسناد و املاک کشور و زندانها موظف هستند نسبت به اجرای احکام تعزیراتی موضوع این قانون اقدام نمایند. علاوه بر موارد فوق، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز و آیین نامه مربوط، به ترتیب در تاریخهای ۷۴/۲/۱۲ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و ۷۴/۲/۳۱ توسط هیأت وزیران به تصویب رسید و برای تسریع در رسیدگی و تشدید مجازات مرتکبین قاچاق، صلاحیتی برای سازمان تعزیرات حکومتی در تبصره ۲ ماده (۴) قانون مذکور و مادتين (۸ و ۹) آیین نامه مربوطه و تبصره‌های ذیل آن پیش‌بینی شده است.

قابل ذکر است که رسیدگی دعاوی در



در غیر مواردی که بنا بر نص

در صلاحیت مراجع اقتصادی

است، دادگاههای عمومی

نسبت به جرایم اقتصادی

تکلیف رسیدگی دارند.



سازمان تعزیرات حکومتی دو مرحله است (۱۷) و از سال ۱۳۷۴، مراجع فرجامی نیز به نام شعب عالی تجدید (۱۸) نظر پیش‌بینی شده است.

دادگاههای انقلاب با شکل‌گیری مراجع شبه قضایی تعزیرات حکومتی، با وضعیت دوگانه‌ای مواجه شده‌اند. از یک سو مهمترین جرایم اقتصادی با مجازات اعدام یا پنج سال تا بیست سال حبس (اخلال کلان یا عمده باشد) یا دو تا پنج سال حبس (اخلال کلان یا عمده نباشد) قابل رسیدگی در دادگاههای انقلاب است (۱۹)؛ از سوی دیگر، نمی‌توان گفت دادگاههای انقلاب تنها به مسائل بسیار با اهمیت رسیدگی می‌کنند چرا که به اعتراض صاحبان کالاهای مکشوفه قاچاق، با ارزش کمتر از ده میلیون ریال، دادگاههای انقلاب و یا دادگاههای عمومی صالح می‌باشند و به

عکس، اعتراض صاحبان کالاهای مکشوفه قاچاق، با ارزش بیش از ده میلیون ریال در صلاحیت رسیدگی سازمان تعزیرات حکومتی است. (۲۰)

در غیر مواردی که بنا بر نص در صلاحیت مراجع اختصاصی است، دادگاههای عمومی نسبت به جرایم اقتصادی تکلیف رسیدگی دارند. مانند اینکه اجرای استاندارد در مورد کالاهای اجباری اعلام شود (۲۱) و پس از انقضای مهلت‌های مقرر، تولید، تمرکز، توزیع و فروش این گونه کالاها با کیفیت پایین‌تر از استاندارد ایران انجام بپذیرد. در این صورت تجار متخلف به حکم محاکم صالحه ممکن است به حبس از یک ماه تا دو سال و جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پنجاه میلیون ریال محکوم شوند. (۲۲)

۴- داوری بازرگانی:

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران که به منظور فراهم آوردن موجبات رشد و توسعه اقتصاد کشور، تبادل افکار و بیان آرا و عقاید مدیران صنعتی، معدنی، کشاورزی و بازرگانی (۲۳)، به صورت موسسه‌ای غیرانتفاعی و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی (۲۴) تأسیس شد، به عنوان یک وظیفه قانونی مسئولیت یافت که در جهت بررسی و حکمیت در مورد مسائل بازرگانان داخلی و خارجی اعضا و سایر متقاضیان از طریق تشکیل مرکز داوری اتاق ایران طبق اساسنامه‌ای که توسط دستگاه قضایی تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید، تلاش کند. (۲۵)

اساسنامه تهیه شده در دادگستری که با پیشنهاد اداره حقوقی اتاق بازرگانی نزدیک بوده است، مع‌الاسف تاکنون به نتیجه نرسیده است.

قانونگذار مسئله داوری را تقریباً مشابه آنچه برای مرکز داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن پیش‌بینی کرده است به منظور حل اختلافات خاص بخش تعاونی نیز منظور و بند ۳ ماده (۵۷) قانون مربوطه راجع به وظایف



در کشور ما قانونگذار غالباً تفاوتی بین دادگاه صالح برای

رسیدگی به دعاوی بازرگانی و سایر دعاوی قایل نشده است



به طور عادی یک دیوان عالی داورى وجود دارد. (۲۹) دادرسی تجاری در فرانسه توسط دادگاه تجاری (Le Tribunal de Commerce) انجام می‌پذیرد و در غیاب آن، دادگاه شهرستان (Le Tribunal de grande instance) با رعایت آیین دادرسی تجاری رسیدگی خواهد کرد. دادگاه تجاری که از مراجع قضایی قدیمی فرانسه تلقی می‌شود، مرجع بدوی صالح برای رسیدگی به اختلافات تجار و امور مربوط به اعمال تجاری (مانند خرید برای فروش، آثار تجارت، اعمال بانکی) است. اعضای دادگاههای تجاری بر مبنای رأی تجار برای چهار سال انتخاب می‌شوند. (۳۰) ترتیب انتخاب این‌گونه است که ابتدا تجار توسط رأی، اعضای اتاقهای تجاری و صنایع و نمایندگان مشاور را بر می‌گزینند و سپس آنان با رأی‌گیری، قضات را انتخاب خواهند کرد. هر شعبه دادگاه تجاری با حداقل سه عضو تشکیل می‌شود. توضیح اینکه تنها تجاری قابل انتخاب می‌باشند که حداقل پنج سال سابقه فعالیت تجاری داشته و سن آنها بیش از سی سال باشد.

رسیدگی به تخلفات قضات دادگاههای تجاری از سال ۱۹۸۷ توسط کمیسیون ملی انتظامی اعضای دادگاههای تجاری (de des membres des tribunaux de commerce nationale de discipline) انجام می‌پذیرد. رئیس کمیسیون انتظامی قضات دادگاههای تجار از طرف رئیس شعبه اول دیوان عالی کشور منصوب می‌شود. سایر اعضای کمیسیون انتظامی قضات دادگاههای تجاری عبارتند از: یک مستشار دولتی، دو قاضی دادگاه تجدید نظر و چهار قاضی از میان رؤسای تجاری به انتخاب مجموعه قضات دادگاههای تجاری. (۳۱) شایان ذکر است برای ایجاد تغییر در نظام دادرسی تجاری، وزارت دادگستری فرانسه پروژه‌های را در سال ۱۹۹۹ م، ارائه

نظامهای حقوقی جهان را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. دسته اول سیستمهایی که وحدت دادرسی را به صورت عام‌الشمول آن پذیرفته‌اند و از تشکیل مراجع قضایی اختصاصی اجتناب کرده‌اند و دسته دوم سیستمهایی که به‌رغم پذیرش وحدت دادرسی از شکل‌گیری برخی مراجع اختصاصی ممانعت ننموده‌اند

ویژه نیز شکل بگیرد. مانند اینکه در امریکا رسیدگی به دعاوی ناشی از تجارت دریایی از صلاحیت دادگاههای ایالتی خارج و در صلاحیت دادگاههای عمومی فدرال است. (۲۸) در کشور روسیه دیوان داورى به دعاوی تجاری حق رسیدگی دارد. تشکیلات دیوان داورى بر اساس قانون چهار ژوئیه ۱۹۹۱ م، تنظیم و آیین دادرسی آن نیز بر مبنای قانون آیین دادرسی داورى پنج مارس ۱۹۹۲ م، می‌باشد. دیوان عالی داورى در رأس مراجع داورى قرار دارد و به موجب ماده (۱۲۷) قانون اساسی ۱۹۹۳ م، (و قانون تشکیلات ۱۹۹۶ م) روسیه، در هر جمهوری یا منطقه

اتاق تعاون مقرر نمود: حل اختلاف و داورى در محدوده امور مربوط به تعاونیها به صورت کدخدانمنشی و صلح بین اعضا و اتحادیه‌ها و بین تعاونیها و اتحادیه‌ها. (۲۶) اتاق تعاون بر خلاف اتاق بازرگانی که فعالیت مرکز داورى آن مشروط به تصویب اساسنامه‌اش در مجلس شورای اسلامی شده است، در محدوده تعیینی و بر مبنای کدخدانمنشی و صلح ما بین اعضا و اتحادیه‌ها و تعاونیها و اتحادیه‌ها فعالیت داشته و دارد.

بخش دوم - مطالعه تطبیقی در سیستمهای خارجی

نظامهای حقوقی جهان را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. دسته اول سیستمهایی که وحدت دادرسی را به صورت عام‌الشمول آن پذیرفته‌اند و از تشکیل مراجع قضایی اختصاصی اجتناب کرده‌اند و دسته دوم سیستمهایی که به‌رغم پذیرش وحدت دادرسی از شکل‌گیری برخی مراجع اختصاصی ممانعت ننموده‌اند.

دسته اول در نظامهای حقوقی "کامن‌لو" خاصه امریکا و انگلیس دیده می‌شود و دسته دوم را در سیستم حقوقی رومی-ژرمنی، مانند فرانسه (۲۷) می‌توان یافت. در سیستم "کامن‌لو" نکته‌ای را نباید فراموش کرد و آن این‌که پذیرش صلاحیت عام محاکم مانع نشده است که در برخی دعاوی، محاکم تخصصی با حوزه قضایی وسیع و صلاحیت

مسئله اصلاح قانون تشکیل

دادگاههای عمومی و امیای
مجدد دادرسیها در سالهای اخیر
فراغتی برای پرداختن عمیق‌تر
به برخی دادرسیهای فاص از
جمله دادرسی بازرگانان، به‌رغم
اهمیت بسیار آنها، نداده است

کرده است که به موجب آن در ترکیب دادگاههای تجاری، قضات رسمی به عنوان رئیس دادگاه شرکت خواهند داشت و صلاحیت دادگاه در مسائل مربوط به نظم عمومی اقتصادی یعنی تمامی دادرسیهای مهم یا حساس (دادرسیهای جمعی، اختلافات شرکتها، اختلافات مرتبط با اعمال تجاری غیر تجاری) توسعه خواهد یافت (۳۲)

بخش سوم - راهکارها

نظام دادرسی ایران در امور مدنی و کیفری متناسب با نظام قضایی صحیح تشخیص نمی‌شود. خاصه اگر علاوه بر تشتت مراجع که سابقاً ذکر نمودیم، اشکالات دیگر وارد بر سیستم و نظام تشکیلاتی آن را یادآور شویم. مانند اینکه رأی مراجع عالی تجدیدنظر تعزیرات حکومتی را توسط شعب بدوی دیوان عدالت اداری منقوض بیایم و مطلعی شود بر اینکه شعب تجدید نظر دیوان عدالت اداری پس از آن وارد رسیدگی شده و آخر الامر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بر پرونده‌ای که پنج مرحله رسیدگی شده تصمیم‌گیری و نهایتاً اتخاذ رأی نماید. (۳۳)

وضعیتی که مشابه آن در دادرسی مالیاتی که عمده‌تأ طرف آن را تجار تشکیل می‌دهند، می‌توان دید. یعنی ابتدا هیأت حل اختلاف مالیاتی بدوی اقدام به رسیدگی می‌کند و سپس تجدیدنظر از رأی آن در هیأت حل اختلاف مالیاتی تجدیدنظر به عمل می‌آید. شورای عالی مالیاتی، مرجع فرجامی است و هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی نیز حکم لازم‌الاتباع صادر می‌کند و ایجاد وحدت رویه می‌نماید. (۳۴) اما این مرحله آخر نیست و پس از آن، دیوان عدالت اداری صالح است و دادرسی از نو آغاز می‌شود. (۳۵) به نظر می‌رسد برای اصلاح شیوه‌ها لازم است تمامی مراجع صالح برای دادرسی امور اقتصادی و تجاری را بازمینی اساسی نمود. محاسن و معایب هر یک را جستجو کرد و در پی آن بود که با عنایت به حساسیت دعاوی مزبور و اهمیت رو به افزایش آنها شالوده نظام

استاندارد دادرسی از نو طراحی شود.

اگر بنا بر این باشد که تولید کننده‌ای به حکم قاضی ملزم به تعطیل خط تولید خود گردد (۳۶) باید دادگاهی صالح باشد که با تمامی مسائل تجاری آشنا باشد.

اگر تسریع در رسیدگی و تعیین تکلیف قطعی پرونده‌ها در مسائل تجاری از اهمیت برخوردار است (۳۷) باید تمامی مراجع مربوط به دادرسی تجاری از این خصیصه برخوردار و مراجع غیر متناسب حذف گردند. همچنین در کنار دادرسی کیفری، به مسائل مدنی و خسارت ناشی از جرم، به سرعت و فارغ از تشریفات خاص رسیدگی گردد. (۳۸)

در دادرسی بازرگانی نقش تجار افزایش یابد و اگر قانونگذار اراده نموده دعاوی تجار به صورت داوری بین آنان حل و فصل گردد (قانون اتاق بازرگانی و اتاق تعاونی)، اختیارات قانونی بیشتری برای مراجع داوری قایل شود و احکام آنان را قاطع و اگر نگوئیم مانند روسیه، نهایتاً مانند تشکیلات قضایی فرانسه، احکام مراجع داوری (دادگاههای تجاری) را قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر دادگستری بشناسد.

پی‌نوشتها:

- ۱- ترجمه و شرح نهج البلاغه به قلم فیض الاسلام، از نامه حضرت به مالک اشتر، ص ۱۷-۱۰.
- ۲- اصل (۱۵۶) قانون اساسی.
- ۳- اصل (۶۱) قانون اساسی.
- ۴- اصل (۲۱) قانون اساسی می‌گوید: "دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ... ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کيان و بقای خانواده ..."
- ۵- اصل (۴۲) قانون اساسی.
- ۶- اصول (۲، ۳، ۴، ۹، ۲۰، ۲۲، ۲۸، ۲۹، ۴۰، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵) ... قانون اساسی.
- ۷- بند ح ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹، مصوب ۱۳۷۳/۹/۱۵.
- ۸- دکتر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۳، صص ۴۹۷ الی ۴۹۹.
- ۹- استاد سنگلجی (محمود)، آئین دادرسی در اسلام،

- انتشارات تهران، ۱۳۳۹، ص ۴۷.
- ۱۰- دکتر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ص ۲۹۰.
- ۱۱- دکتر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۳، ص ۴۹۷.
- ۱۲- مطابق ماده (۳۰) آئین دادرسی مدنی فرانسه:

L'action est le droit, pour l'auteur d'une pretention, d'etre entendu sur le fond de celle-ci afin que le juge dise bien ou mal fondee. Pour l'adversaire, de discuter le bien fonde de cette pretention.

۱۳- ماده (۳) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزایی را به عهده دادگاه عمومی گذاشته و می‌گوید: با تأسیس دادگاههای عمومی در هر حوزه قضایی رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزایی با لحاظ قلمرو محلی با دادگاههای مزبور خواهد بود.

۱۴- سالانه بیش از ده هزار فرزند شناور از منطقه تنگه هرمز عبور می‌کنند که این موضوع گذشته از بحث صادرات و واردات و حمل کالا در منطقه، درآمد سرشاری برای کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بخصوص امیرنشین فجیره دارد (آیا وقت آن نرسیده که شروع کنیم. کاپیتان حمید حکیم نژاد، روزنامه همشهری، شماره ۲۴۳۸، ۱۰/۴/۱۳۸۰، ص ۱۸).

۱۵- آقای بهمن آقایی مترجم کتاب حقوق بین الملل دریاها (The Law of the Sea, Manchester U. press, 1985) اثر رابین چرچیل (Churchill) و آلن لو (Lowe)، در توضیحات خود در بخش ضمیمه کتاب (ص ۵۹۵) با تطبیق دادگاه دریایی موضوع ماده (۱۸۸) قانون دریایی ایران و دادگاه دریایی امریکا (دادگاه عمومی فدرال) به طور ضمنی چنین می‌گوید: راه حلی که امریکائیا پس از تجربه جدا بودن دو دسته محاکم دریایی و عمومی بالاخره پیش گرفتند و در اخذ نتیجه مطلوب موفق هم بوده‌اند اینست که به موجب قانون اساسی، صلاحیت رسیدگی به موضوعات مربوط به حقوق دریایی منحصرأ در دادگاههای عمومی فدرال باشد. این امر در قوانین دیگر نیز تأیید شد. در نتیجه، دادگاه عمومی فدرال که کلیه مسایل و اختلافات را رسیدگی می‌کند صلاحیت رسیدگی به امور دریایی را نیز دارد و فقط با اجرای مقررات مربوط به حقوق دریایی یا اجرای مقررات عمومی در موقع مقتضی دعاوی را رسیدگی کرده و رأی می‌دهد و استیناف و تمییز آن مثل سایر مسایل حقوقی است. در ایران تکلیف این امر هنوز درست معلوم نیست. یعنی ماده (۱۸۸) قانون دریایی ایران به طریق ذیل مقرر داشته است (... از مفاد این ماده چنین مستفاد می‌شود که قانونگذار در نظر داشته است دادگاه مجزا تأسیس کند. اما متن طوری است که ممکن است تعبیر شود مقصود همان دادگاههای عمومی یا صلاحیت امور قانون دریایی بوده است.

۱۶- حسب سوابق از ابتدای سال ۱۳۶۲ به درخواست

شماره دادنامه ۴۶۵۷ - ۱۳۸۰/۲/۲۸ و شماره دادنامه ۵۱۹ - ۱۳۷۹/۲/۲۲ و آرای شعبه دوم دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۱۷۸۴ مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۴ و ۱۶۸۴ مورخ ۱۳۷۹ و ۹۸۵ مورخ ۱۳۷۹/۵/۴.

۳۴ - در خصوص مراجع دادرسی مالیاتی ملاحظه کنید: ماده (۲۴۷)، بند ۳۰ ماده (۲۵۵) و ماده (۲۵۸) قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳.

۳۵ - ملاحظه کنید: رأی شماره ۵۱ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، فصلنامه مالیاتی، اقتصادی، اجتماعی مالیات دوره دوم، شماره ششم، ۱۳۷۷، ص ۵۲.

۳۶ - بر اساس تبصره ۱ ماده (۱) قانون رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباسهایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را چریحه دار می کند مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸؛ دادگاه تولید کننده را ملزم به تطویل خط تولید مخصوص و انطباق آن با ضوابط اسلامی می نماید.

۳۷ - مطابق ماده (۲) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۲/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام: به منظور تسریع در رسیدگی و تعیین تکلیف قطعی پرونده‌های مربوط به کشفیات قاچاق اعم از کالا و ارز... همچنین مطابق تبصره ۲ ماده (۴) قانون مزبور: در صورت عدم رسیدگی یا تطویل دادرسی و عدم تعیین تکلیف قطعی پرونده در مدت فوق الذکر، سازمان تعزیرات حکومتی موضوع ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۳/۷/۲۰ م.ت.م.ن، یا سازمان جداگانه‌ای که دولت تعیین خواهد کرد با درخواست سازمان شاکی می تواند همان پرونده را از محاکم قضایی یا سازمان شاکی مطالبه و طبق جرایم و مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط و این قانون اقدام نماید...!

۳۸ - در قانون تعزیرات حکومتی چنین امری دارای سابقه است. مطابق ماده (۵۳) قانون مزبور مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳: در مواردی که به علت وقوع تخلف مشمول تعزیرات حکومتی خسارتی متوجه شرکتها و دستگاههای موضوع ماده (۱۹) این قانون شده باشد مراجع صدور احکام تعزیرات ضمن صدور احکام تعزیرات عامل ورود خسارت را مکلف به جبران خسارت می نمایند*.

مراجع قضایی به معنی اخص کلمه (دادگاههای عمومی و انقلاب) می باشد لذا هر گونه تصمیم گیری به عهده مراجع قضایی است و به سازمان تعزیرات حکومتی ارتباطی پیدا نمی کند*.

۲۱ - مطابق ماده (۶) از قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵؛ موسسه می تواند با تصویب شورای عالی استاندارد، اجرای استاندارد کالاها و یا بخشی از یک استاندارد و یا آیین های کار را که از نظر ایمنی حفظ سلامت عمومی و حصول اطمینان از کیفیت فرآورده و حمایت از مصرف کننده و یا سایر جهات رفاهی و اقتصادی ضروری باشد با تعیین مهلت های لازم که از سه ماه کمتر نخواهد بود، اجباری اعلام نماید*.

۲۲ - ماده (۹) از قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵.

۲۳ - ماده (۱) قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۱۵.

۲۴ - ماده (۲) قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۱۵.

۲۵ - بند ح ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۱۵ که در تاریخ ۱۳۷۳/۹/۱۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

۲۶ - قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۶/۲۴.

۲۷ - اصل وحدت دادرسی مدنی و کیفری در فرانسه مانع از این نبوده که دادگاههای تخصصی با تشریفات و آیین دادرسی خاص ایجاد و به مسایل ویژه مانند تجارت، ضبط املاک، کار، امور اجتماعی، جبران غرامت از برخی قربانیان جرم، جرایم اطفال و نوجوانان، تجارت دریایی... رسیدگی نمایند* (رک: مقاله نگارنده تحت عنوان بحثی تطبیقی پیرامون ماده (۱۸۸) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - تخصصی کردن محاکم هدف برای ارتقای کیفی و افزایش کارایی، ماهنامه دادرسی، شماره ۲۳، ۱۳۷۹، ص ۱۷).

۲۸ - به زیرنویس شماره ۱۵ مراجعه کنید.

۲۹ - رک: جزوه درسی حقوق تطبیقی مؤلف، سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹، ص ۴۴. همچنین رک:

Michel Fromont, Grands systemes de droit etrangers, 3edi., 1998, p.129.F.
30 - Michele - laure RASSAT, Instiutions judiciaires, Puf, 1993, p147.
31 - M.L. RASSAT, precite, p149.
32 - Jean - Jacques TAISNE, Instiutions judiciaires, Dalloz, 7eme. edi., 2000, p26.

- ملاحظه کنید: آرای شعبه هفتم دیوان عدالت اداری به

نخست وزیر از محضر امام خمینی رحمه الله علیه دولت مجوز اعمال تعزیرات حکومتی را دریافت کرد. تکامل صلاحیت دولت در تعزیرات حکومتی را در سه مرحله می توان خلاصه کرد: مرحله شکل گیری (سال ۱۳۶۲)، مرحله تثبیت (سال ۱۳۶۷)، مرحله وحدت مراجع تعزیرات حکومتی در دولت سال (۱۳۷۳).

۱۷ - مطابق ماده (۸) آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی مصوب ۷۳/۸/۱؛ به منظور رسیدگی و صدور رأی راجع به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی در مراکز استانها و شهرستانها شعبی تحت عنوان شعب رسیدگی به تعزیرات حکومتی تشکیل خواهد شد. شعب مزبور شامل شعب بدوی و تجدیدنظر می باشد.

تبصره ۱ - شعب بدوی یا حضور یک نفر رئیس تشکیل می گردد. تبصره ۲ - شعب تجدیدنظر با حضور یک نفر رئیس و دو نفر عضو تشکیل می گردد. جلسه شعبه با حضور دو نفر رسمیت یافته و آرای صادره با دو رأی موافق معتبر و لازم الاجرا خواهد بود.

۱۸ - بر اساس تبصره ماده (۲۳) آیین نامه فوق الذکر (الحاقی ۱۳۷۴/۶/۱۱): هرگاه محکوم علیه و یا روسای سازمان های تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت، آرای قطعی شعب تعزیرات را خلاف قانون بدانند می توانند با ذکر دلیل از وزیر دادگستری تقاضای رسیدگی مجدد نمایند. چنانچه وزیر دادگستری تقاضا را وارد تشخیص دهد و یا رأی را غیر قانونی بداند پرونده را جهت رسیدگی به شعبه عالی تجدیدنظر که به همین منظور در مرکز تشکیل می گردد ارجاع خواهد داد. رأی این شعبه قطعی است و اقدامات موضوع این تبصره مانع اجرای حکم تجدید نظر خواسته نخواهد بود.

۱۹ - به موجب تبصره ۶ ماده (۲) قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ رسیدگی به کلیه جرایم مذکور در این قانون در صلاحیت دادسراها و دادگاههای انقلاب اسلامی است و دادسراها و دادگاههای مزبور در مورد جرایم موضوع ماده (۱) قانون مکلفند فوراً و خارج از نوبت رسیدگی نمایند*.

۲۰ - در نظر مشورتی دفتر حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی به شماره ۲۱۰/۳۵۳ - ۱۳۷۹/۲/۶ آمده: با توجه به اینکه ضابطه کالای قاچاق به جهت ارزش زیر ده میلیون ریال به تجویز بند الف ماده (۲) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی در صلاحیت اداره شاکی می باشد لذا رسیدگی به اعتراض در این خصوص نیز در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی نمی باشد و چنانچه متخلفین اعتراض داشته باشند می بایست به استناد قسمت اخیر ماده (۲) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی حداکثر ظرف مدت ۲ ماه به مراجع قضایی صالح شکایت نمایند و با عنایت به عبارت "مراجع قضایی صالح" در ذیل بند ب ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی و اینکه شمول قانون نسبت به مراجع اختصاصی مستلزم تصریح می باشد و در ماده ذکری از سازمان تعزیرات حکومتی به میان نیامده است، عبارت مذکور منصرف از شعب سازمان تعزیرات حکومتی بوده و منحصر به



ما هفتا مه شماره ۳۹ . سال پنجم . آذر و دی ۱۳۸۰